

## اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال و آثار آن بر تعهدات قراردادی

احسان مشکل گشا<sup>۱</sup>، سیاوش اسفندیاری<sup>۲</sup>

۱- گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲- گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

### چکیده

گسترش فناوری‌های دیجیتال و توسعه روزافزون تجارت الکترونیک، موجب تحول اساسی در ساختار و شیوه انعقاد قراردادها شده است. به‌گونه‌ای که رضایت طرفین دیگر همواره به‌صورت صریح و سنتی ابراز نمی‌شود، بلکه غالباً از طریق رفتارهای ضمنی مانند کلیک بر گزینه «موافقم»، ادامه استفاده از خدمات دیجیتال یا نصب نرم‌افزار تحقق می‌یابد. این تحول، مفهوم رضایت و جایگاه آن در اعتبار قراردادها را با چالش‌های حقوقی نوینی مواجه ساخته است. به‌ویژه در نظام حقوقی ایران که چارچوب مشخص و منسجمی برای تنظیم و ارزیابی رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال وجود ندارد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال و تحلیل آثار آن بر تعهدات قراردادی و مسئولیت ناشی از نقض قرارداد، با تأکید بر حمایت از اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل قوانین موضوعه ایران، بررسی مبانی فقه امامیه و ارزیابی چالش‌های عملی فضای دیجیتال انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رضایت ضمنی، اگرچه در فقه امامیه و حقوق سنتی ایران دارای مبانی معتبر، به‌ویژه در عقود معاطاتی، است، اما انتقال بی‌واسطه این مفهوم به قراردادهای دیجیتال بدون توجه به ویژگی‌های خاص این فضا، از جمله عدم توازن اطلاعات، فقدان شفافیت قراردادی، فشارهای روانی و اقتصادی و اغفال ساختاری کاربران، می‌تواند منجر به تضعیف اراده واقعی و برهم خوردن تعادل قراردادی شود. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اعتبار حقوقی رضایت ضمنی و آثار آن بر تعهدات قراردادی، امری نسبی و وابسته به کیفیت تحقق رضایت است و نمی‌توان صرف رفتار ظاهری کاربر را دلیلی قطعی بر پذیرش همه آثار حقوقی قرارداد دانست. در پایان، ضرورت بازنگری در قواعد حقوقی موجود، تدوین معیارهای روشن برای احراز رضایت واقعی، تقویت شفافیت قراردادهای دیجیتال و ایجاد سازوکارهای حمایتی مؤثر برای طرف ضعیف قرارداد، به‌عنوان پیش‌شرط تحقق عدالت قراردادی در فضای دیجیتال مورد تأکید قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** رضایت ضمنی، قراردادهای دیجیتال، اراده واقعی، حمایت از مصرف‌کننده، تعهدات قراردادی

## مقدمه

## . مقدمه

تحول شتابان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر، نه تنها شیوه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی را دگرگون ساخته، بلکه بنیان‌های سنتی حقوق قراردادها را نیز با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. گسترش تجارت الکترونیکی، پلتفرم‌های دیجیتال، بازارگاه‌های آنلاین، خدمات ابری، نرم‌افزارهای مبتنی بر اشتراک و قراردادهای هوشمند، سبب شده است که بخش قابل توجهی از روابط حقوقی اشخاص، در بستری غیرحضوری، خودکار و مبتنی بر رفتارهای دیجیتال شکل گیرد. در چنین فضایی، مفهوم کلاسیک قرارداد که بر پایه گفت‌وگوی مستقیم، امضای فیزیکی و اعلام اراده صریح استوار بود، جای خود را به الگوهایی داده است که در آن‌ها اراده طرفین غالباً از طریق کلیک، ادامه استفاده از خدمات، نصب نرم‌افزار یا حتی سکوت توأم با رفتار خاص ابراز می‌شود. این دگرگونی بنیادین، ضرورت بازاندیشی در مفاهیم محوری حقوق قراردادها، به‌ویژه «رضایت» و شیوه‌های احراز آن را بیش از پیش آشکار ساخته است (امینی، ۱۴۰۳).

در حقوق قراردادها، رضایت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی انعقاد عقد، همواره جایگاهی محوری داشته و فقدان آن موجب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد می‌شود. با این حال، در فضای دیجیتال، رضایت الزاماً به‌صورت صریح و آشکار ابراز نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، به‌صورت ضمنی و از خلال رفتارهای کاربر استنباط می‌گردد. این نوع رضایت که در ادبیات حقوقی از آن با عنوان «رضایت ضمنی» یاد می‌شود، اگرچه در حقوق سنتی و فقه امامیه سابقه دارد، اما تحقق و احراز آن در قراردادهای دیجیتال با پیچیدگی‌های مضاعفی همراه است. چراکه رفتار دیجیتال کاربران، همواره آگاهانه، آزادانه و مبتنی بر فهم واقعی مفاد قرارداد نیست و گاه تحت تأثیر طراحی پلتفرم‌ها، عدم توازن اطلاعاتی و فشارهای اقتصادی یا زمانی شکل می‌گیرد. از این‌رو، پذیرش بی‌قیدوشرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، می‌تواند پیامدهای مهمی برای امنیت حقوقی، حمایت از مصرف‌کننده و عدالت قراردادی به همراه داشته باشد (شیروی، ۱۴۰۲).

قانون‌گذار ایرانی با تصویب قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، اصل اعتبار قراردادهای الکترونیکی و امضاهای دیجیتال را به رسمیت شناخته و گامی مهم در انطباق حقوق داخلی با تحولات فناوری برداشته است. با این حال، این قانون و سایر مقررات مرتبط، کمتر به‌طور صریح به مفهوم رضایت ضمنی و معیارهای احراز آن در قراردادهای دیجیتال پرداخته‌اند. در عمل، بخش عمده‌ای از قراردادهای دیجیتال رایج در ایران، از نوع قراردادهای الحاقی هستند که شرایط آن‌ها به‌صورت یک‌جانبه توسط ارائه‌دهندگان خدمات تنظیم شده و کاربران صرفاً با «پذیرش کلی» آن‌ها، وارد رابطه قراردادی می‌شوند. در چنین شرایطی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان رضایت استنباط‌شده از رفتار کاربر را به‌عنوان رضایتی معتبر و مؤثر در ایجاد تعهدات قراردادی تلقی کرد یا خیر، و در صورت پذیرش، حدود و آثار حقوقی آن چگونه باید تبیین شود (رضایی، ۱۳۸۷). از منظر فقه امامیه، رضایت و اختیار از ارکان بنیادین صحت معاملات به‌شمار می‌روند و قواعدی همچون «لاضرر»، «غرر» و «اکل مال به باطل» نقش مهمی در تحدید قراردادهای ناعادلانه دارند. هرچند فقه، در قالب‌هایی نظیر عقود معاطاتی، تحقق رضایت ضمنی را پذیرفته است، اما این پذیرش همواره مشروط به وجود قرائن معتبر، علم و آگاهی متعاملین و فقدان اجبار یا فریب بوده است. انتقال این مبانی به فضای دیجیتال، مستلزم تحلیل دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های بستر سنتی و دیجیتال است؛ زیرا در محیط‌های آنلاین، قرائن رفتاری ممکن است

گمراه‌کننده باشند و رضایت ظاهری الزاماً بیانگر اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد نباشد. از این رو، بررسی اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، بدون توجه به مبانی فقهی، تحلیلی ناقص و ناتمام خواهد بود (بدیعی، ۱۴۰۰).

افزون بر این، توسعه قراردادهای نوین دیجیتال مانند قراردادهای هوشمند، قراردادهای مبتنی بر بلاک‌چین، قراردادهای متاورسی و معاملات دارایی‌های دیجیتال، ابعاد تازه‌ای به بحث رضایت ضمنی بخشیده است. در این نوع قراردادها، اجرای تعهدات اغلب به صورت خودکار و غیرقابل بازگشت انجام می‌شود و امکان مداخله انسانی یا فسخ سنتی قرارداد محدود است. در نتیجه، اگر رضایت اولیه کاربر، به صورت ضمنی و بدون آگاهی کامل شکل گرفته باشد، آثار زیان‌بار آن می‌تواند بسیار گسترده‌تر از قراردادهای سنتی باشد. این وضعیت، ضرورت توجه به معیارهای سخت‌گیرانه‌تر در احراز رضایت و بازنگری در نقش رضایت ضمنی در ایجاد تعهدات قراردادی را برجسته می‌سازد (ناصر، ۱۳۹۷؛ فلاحی، ۱۴۰۳). از منظر حقوق تطبیقی و رویه‌های بین‌المللی نیز، مسئله رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال به عنوان یکی از محورهای اصلی حمایت از مصرف‌کننده مورد توجه قرار گرفته است. مقررات اتحادیه اروپا، به ویژه در حوزه خدمات دیجیتال و حمایت از داده‌های شخصی، بر شفافیت، اطلاع‌رسانی مؤثر و امکان انتخاب واقعی کاربران تأکید دارند و صرف رفتار منفعلانه یا ادامه استفاده از خدمات را همواره دال بر رضایت معتبر تلقی نمی‌کنند. مقایسه این رویکردها با حقوق ایران نشان می‌دهد که نظام حقوقی داخلی، همچنان با خلأهای تقنینی و روبه‌ای در زمینه تحدید آثار رضایت ضمنی و حمایت از اراده واقعی کاربران مواجه است؛ خلأهایی که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به قراردادهای دیجیتال و کند شدن توسعه اقتصاد دیجیتال منجر شود (عباسی، ۱۴۰۴؛ وحدتی، ۱۴۰۱).

بر این اساس، مقاله حاضر با تمرکز بر «اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال و آثار آن بر تعهدات قراردادی»، می‌کوشد ضمن تبیین مبانی نظری و فقهی رضایت ضمنی، جایگاه آن را در حقوق مدنی ایران و قوانین مرتبط با تجارت الکترونیکی تحلیل کرده و آثار حقوقی آن را بر تعهدات و مسئولیت‌های قراردادی طرفین بررسی نماید. رویکرد این پژوهش، تحلیلی-انتقادی است و تلاش دارد با استفاده از منابع معتبر داخلی و پژوهش‌های نوین، چارچوبی منسجم برای ارزیابی رضایت ضمنی در فضای دیجیتال ارائه دهد؛ چارچوبی که هم با اصول فقه امامیه سازگار باشد و هم پاسخگوی الزامات حقوقی فناوری‌های نوین و حمایت از طرف ضعیف قرارداد باشد (امینی، ۱۴۰۳؛ عباسی‌اندواری، ۱۴۰۱). سرانجام، اهمیت این پژوهش از آن جهت مضاعف می‌شود که رضایت ضمنی، صرفاً یک بحث نظری انتزاعی نیست، بلکه مستقیماً با حقوق و تعهدات میلیون‌ها کاربر و فعال اقتصادی در فضای دیجیتال ارتباط دارد. تبیین نادرست یا موسع از رضایت ضمنی می‌تواند به مشروعیت‌بخشی به قراردادهای ناعادلانه، انتقال نامتوازن ریسک و کاهش مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات منجر شود، در حالی که تبیین دقیق و محدودکننده آن، می‌تواند نقشی اساسی در تحقق عدالت قراردادی، افزایش امنیت حقوقی و توسعه پایدار اقتصاد دیجیتال ایفا کند. از این منظر، پرداختن علمی و نظام‌مند به موضوع رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نه تنها یک ضرورت دانشگاهی، بلکه پاسخی حقوقی به نیازهای واقعی جامعه معاصر محسوب می‌شود (فلاحی، ۱۴۰۳؛ وحدتی، ۱۴۰۱).

با گسترش فزاینده فناوری‌های دیجیتال و نفوذ آن‌ها در تمامی عرصه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی، الگوهای سنتی انعقاد قراردادها دستخوش تحولات بنیادین شده‌اند. امروزه بخش عمده‌ای از روابط قراردادی در قالب قراردادهای دیجیتال، الکترونیکی و هوشمند شکل می‌گیرد؛ قراردادهایی که نه تنها در بستر غیرحضوری منعقد می‌شوند، بلکه غالباً بر رفتارهای دیجیتال کاربران، همچون کلیک، اسکرول، ادامه استفاده از خدمات یا حتی سکوت توأم با فعل خاص مبتنی هستند. در این چارچوب، یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های حقوقی، چگونگی احراز «رضایت» به‌عنوان رکن بنیادین انعقاد عقد است؛ رضایتی که در بسیاری از موارد نه به‌صورت صریح، بلکه به‌گونه‌ای ضمنی و استنباطی تحقق می‌یابد. این وضعیت، مفهوم کلاسیک رضایت را که بر اعلام اراده آگاهانه، آزادانه و صریح استوار بود، با چالش‌های جدی مواجه ساخته است (امینی، ۱۴۰۳). در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه، رضایت و قصد انشاء از ارکان اساسی صحت قرارداد محسوب می‌شوند و فقدان یا خدشه در آن‌ها می‌تواند به بطلان یا عدم نفوذ عقد منجر شود. با این حال، تحقق رضایت همواره منوط به بیان لفظی یا امضای مکتوب نبوده و حقوق سنتی، در قالب‌هایی نظیر عقود معاطاتی، رضایت ضمنی را نیز به رسمیت شناخته است. با وجود این، رضایت ضمنی در فضای سنتی، معمولاً بر پایه قرائن روشن عرفی، تعاملات مستقیم و آگاهی نسبی طرفین استوار بوده است. انتقال این مفهوم به فضای دیجیتال، بدون بازتعریف معیارهای احراز آن، می‌تواند موجب تضعیف اراده واقعی متعاملین و مشروعیت‌بخشی به قراردادهایی شود که در آن‌ها رضایت صرفاً ظاهری و صوری است (شیروی، ۱۴۰۲).

مسئله اصلی زمانی پیچیده‌تر می‌شود که توجه کنیم اغلب قراردادهای دیجیتال، ماهیتی الحاقی دارند و شرایط آن‌ها به‌صورت یک‌جانبه توسط ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال تنظیم می‌شود. کاربران، به‌ویژه مصرف‌کنندگان، معمولاً فاقد امکان مذاکره درباره مفاد قرارداد هستند و تنها گزینه پیش‌روی آن‌ها، پذیرش یا عدم استفاده از خدمت است. در چنین شرایطی، رفتارهایی مانند کلیک بر گزینه «می‌پذیرم»، نصب نرم‌افزار یا ادامه استفاده از پلتفرم، به‌عنوان نشانه رضایت ضمنی تلقی می‌شود، بی‌آنکه اطمینانی از آگاهی واقعی کاربر نسبت به مفاد قرارداد، آثار حقوقی آن و حتی وجود شروط محدودکننده مسئولیت یا انتقال ریسک وجود داشته باشد. این وضعیت، این پرسش بنیادین را مطرح می‌کند که آیا می‌توان چنین رضایتی را واجد اعتبار حقوقی دانست و بر مبنای آن، تعهدات گسترده و گاه سنگین قراردادی بر عهده کاربر نهاد یا خیر (رضایی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، در قراردادهای دیجیتال، عوامل متعددی می‌توانند رضایت را از حالت آزاد و آگاهانه خارج سازند. طراحی رابط‌های کاربری پیچیده یا گمراه‌کننده، طولانی و غیرقابل فهم بودن شرایط استفاده، پنهان‌سازی شروط مهم در میان انبوهی از متون حقوقی، و استفاده از الگوهای رفتاری موسوم به «الگوهای تاریک» (Dark Patterns)، همگی می‌توانند اراده کاربران را تحت تأثیر قرار داده و رضایت آن‌ها را مخدوش سازند. در چنین فضایی، مرز میان رضایت ضمنی معتبر و سکوت یا رفتار منفعلانه ناشی از ناآگاهی، به‌شدت مبهم می‌شود و این ابهام، امنیت حقوقی قراردادها را با تهدید مواجه می‌سازد (فلاحی، ۱۴۰۳).

حقوق مدنی ایران، با شناسایی عیوب اراده از جمله اشتباه، اکراه و اغفال، تلاش کرده است از اراده واقعی متعاملین حمایت کند. با این حال، اعمال این مفاهیم در قراردادهای دیجیتال، به‌ویژه در مواردی که رضایت به‌صورت ضمنی استنباط می‌شود، با دشواری‌های عملی و نظری فراوانی روبه‌روست. برای نمونه، اشتباه ناشی از عدم مطالعه شرایط قرارداد دیجیتال، همواره به‌عنوان اشتباه مؤثر در عقد تلقی نمی‌شود، در حالی که همین عدم مطالعه ممکن است نتیجه طراحی نامناسب پلتفرم یا عدم شفافیت ارائه‌دهنده خدمت باشد. همچنین، اکراه در فضای دیجیتال، الزاماً به‌صورت تهدید فیزیکی یا صریح بروز نمی‌کند، بلکه می‌تواند در قالب محروم‌سازی از خدمات ضروری، مسدودسازی حساب کاربری یا فشارهای اقتصادی و اجتماعی ظاهر شود. این تحولات، ضرورت بازخوانی مفاهیم

سنتی عیوب اراده در بستر دیجیتال را برجسته می‌سازد (بدیعی، ۱۴۰۰؛ وحدتی، ۱۴۰۱). مسئله رضایت ضمنی، در قراردادهای هوشمند و مبتنی بر فناوری بلاک‌چین، ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. در این قراردادها، اجرای تعهدات به صورت خودکار و غیرقابل توقف انجام می‌شود و امکان مداخله انسانی پس از انعقاد قرارداد بسیار محدود است. بنابراین، اگر رضایت اولیه کاربر، به صورت ضمنی و بدون آگاهی کامل شکل گرفته باشد، آثار آن می‌تواند غیرقابل جبران باشد. این وضعیت، این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که آیا نظام حقوقی ایران، با ابزارها و قواعد موجود، توانایی پاسخ‌گویی به چالش‌های ناشی از رضایت ضمنی در این نوع قراردادها را دارد یا نیازمند بازنگری و تکمیل است (ناصر، ۱۳۹۷).

در سطح تقنینی، اگرچه قانون تجارت الکترونیکی ایران، اصل اعتبار قراردادهای الکترونیکی و داده‌پیام‌ها را پذیرفته است، اما در خصوص معیارهای احراز رضایت ضمنی، سکوت کرده یا مقرراتی کلی و غیرشفاف ارائه داده است. این سکوت تقنینی، سبب شده است که تفسیر اعتبار رضایت ضمنی، عمدتاً به رویه قضایی و دکترین حقوقی واگذار شود؛ امری که می‌تواند به صدور آراء متعارض و کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی منجر شود. در نبود معیارهای روشن، این خطر وجود دارد که دادگاه‌ها، صرف رفتار دیجیتال کاربر را دلیل قطعی بر رضایت او تلقی کرده و از بررسی شرایط واقعی تحقق اراده غفلت کنند (عباسی‌اندواری، ۱۴۰۱). از منظر حمایت از طرف ضعیف قرارداد، به‌ویژه مصرف‌کنندگان، مسئله رضایت ضمنی اهمیتی دوچندان می‌یابد. پذیرش گسترده رضایت ضمنی بدون ملاحظات حمایتی، می‌تواند به تضعیف حقوق مصرف‌کنندگان، افزایش شروط ناعادلانه و محدودسازی مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال منجر شود. این امر، نه تنها با اصول عدالت قراردادی و حسن نیت در تعارض است، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی به معاملات دیجیتال را نیز خدشه‌دار کند. در مقابل، تحدید بیش از حد رضایت ضمنی و عدم شناسایی آن، ممکن است کارایی قراردادهای دیجیتال و سرعت مبادلات الکترونیکی را کاهش دهد. بنابراین، چالش اصلی، یافتن تعادلی میان کارایی اقتصادی و حمایت حقوقی از اراده واقعی طرفین است (عباسی، ۱۴۰۴).

با توجه به آنچه گفته شد، مسئله اصلی این پژوهش را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، تحت چه شرایطی از اعتبار حقوقی برخوردار است و آثار آن بر تعهدات و مسئولیت‌های قراردادی طرفین چگونه باید تبیین شود؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی هم‌زمان مبانی فقهی، اصول حقوق مدنی، مقررات تجارت الکترونیکی و تحولات نوین قراردادهای دیجیتال است. بدون چنین تحلیلی، خطر آن وجود دارد که رضایت ضمنی، به ابزاری برای تحمیل تعهدات ناعادلانه بدل شود یا بالعکس، به‌گونه‌ای محدود گردد که کارکردهای اساسی قراردادهای دیجیتال را مختل سازد (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲). بر این اساس، این پژوهش می‌کوشد با رویکردی تحلیلی و انتقادی، مفهوم رضایت ضمنی را در بستر قراردادهای دیجیتال بازتعریف کرده و معیارهایی برای احراز اعتبار حقوقی آن ارائه دهد؛ معیارهایی که هم با مبانی فقه امامیه و حقوق مدنی ایران سازگار باشند و هم پاسخ‌گوی نیازهای عملی و حمایتی فضای دیجیتال معاصر. تبیین این معیارها، می‌تواند نقش مهمی در شفاف‌سازی تعهدات قراردادی، ارتقای امنیت حقوقی و حمایت مؤثر از اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد ایفا کند.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بررسی اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، مستلزم تبیین دقیق مبانی نظری این مفهوم در دو حوزه اساسی فقه امامیه و حقوق مدنی ایران است؛ چراکه رضایت، به‌عنوان رکن بنیادین انعقاد عقد، هم در نظام فقهی و هم در نظام حقوقی جایگاهی محوری دارد و بدون احراز آن، تعهدات قراردادی فاقد مشروعیت حقوقی خواهند بود. در فقه امامیه، «رضا» نه تنها شرط صحت عقد، بلکه تجلی اراده آزاد انسان در تصرفات مالی و حقوقی تلقی می‌شود و قواعدی چون «الناس مسلطون علی اموالهم» و «لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیب نفسه» بر لزوم وجود رضایت واقعی و آگاهانه دلالت دارند. از این منظر، رضایت مفهومی صرفاً صوری یا تشریفاتی نیست، بلکه امری ماهوی است که باید از قصد و اختیار واقعی متعامل ناشی شده باشد (بدیعی، ۱۴۰۰).

فقه امامیه، در عین تأکید بر نقش اساسی رضایت، همواره تحقق آن را منحصر به بیان لفظی یا کتابت ندانسته و در قالب نهادهایی نظیر عقود معاطاتی، رضایت ضمنی را نیز معتبر شناخته است. در این نوع عقود، رفتار طرفین، به‌عنوان کاشف از اراده و رضایت آن‌ها تلقی می‌شود، مشروط بر آن‌که این رفتار به‌گونه‌ای باشد که عرفاً دلالت روشن بر قصد انشاء و رضایت داشته باشد. با این حال، فقها معمولاً تحقق رضایت ضمنی را منوط به وجود قرائن خارجی روشن، آگاهی طرفین از ماهیت معامله و فقدان هرگونه اکراه یا فریب دانسته‌اند. بنابراین، رضایت ضمنی در فقه، مفهومی مطلق و نامحدود نیست، بلکه در چارچوب معیارهای سخت‌گیرانه‌ای پذیرفته شده است که هدف آن‌ها صیانت از اراده واقعی متعاملین است (شپروی، ۱۴۰۲).

در حقوق مدنی ایران نیز، قانون‌گذار با تأثیرپذیری از فقه امامیه، قصد و رضا را از ارکان اساسی صحت قراردادها دانسته است. ماده ۱۹۰ قانون مدنی، قصد و رضای طرفین را در کنار اهلیت، موضوع معین و مشروعیت جهت معامله، به‌عنوان شرایط اساسی صحت عقد معرفی می‌کند. در این نظام حقوقی، رضایت می‌تواند به‌صورت صریح یا ضمنی ابراز شود، اما همواره باید با اختیار و آگاهی همراه باشد. از این رو، صرف وجود رفتار ظاهری، بدون احراز اراده واقعی، نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای اعتبار عقد قرار گیرد. این رویکرد، نشان‌دهنده هم‌سویی حقوق مدنی ایران با مبانی فقهی در محدودسازی مفهوم رضایت ضمنی و جلوگیری از سوءاستفاده از آن است (رضایی، ۱۳۸۷). یکی از مباحث اساسی در مبانی نظری رضایت ضمنی، تمایز آن از «سکوت» است. در حقوق سنتی، سکوت اصولاً نشانه رضایت تلقی نمی‌شود، مگر در موارد استثنایی که قانون یا عرف، سکوت را دال بر قبول بدانند. این اصل، به‌ویژه در قراردادهایی که تعهدات سنگین یا غیرمتعارف ایجاد می‌کنند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. رضایت ضمنی، زمانی معتبر است که رفتار شخص، به‌طور مثبت و فعال، دلالت بر پذیرش مفاد قرارداد داشته باشد؛ نه آن‌که صرفاً نتیجه انفعال، ناآگاهی یا اجبار غیرمستقیم باشد. این تمایز، در فضای دیجیتال اهمیت مضاعفی می‌یابد، زیرا بسیاری از اشکال رضایت دیجیتال، در مرز میان رفتار فعال و سکوت منفعلانه قرار دارند (بدیعی، ۱۴۰۰؛ وحدتی، ۱۴۰۱). در ادامه مبانی نظری، بحث عیوب اراده نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی اعتبار رضایت ضمنی ایفا می‌کند. اشتباه، اکراه و اغفال، به‌عنوان مهم‌ترین عیوب اراده، می‌توانند رضایت را از حالت معتبر خارج سازند. در حقوق مدنی ایران، اشتباه زمانی مؤثر است که اساسی و مؤثر در عقد باشد، اما در قراردادهای دیجیتال، تشخیص اشتباه اساسی با دشواری‌های خاصی مواجه است؛ زیرا عدم مطالعه شرایط استفاده یا ناآگاهی از مفاد پیچیده قرارداد، غالباً به‌عنوان تقصیر کاربر تلقی می‌شود. این رویکرد، در تعارض با واقعیت‌های فضای دیجیتال قرار دارد؛ فضایی که در آن، عدم توازن اطلاعات و پیچیدگی متون قراردادی، امری ساختاری و اجتناب‌ناپذیر است (فلاحی، ۱۴۰۳).

از منظر پیشینه پژوهش، مطالعات داخلی انجام شده نشان می‌دهد که رضایت ضمنی، اگرچه در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته، اما اغلب به صورت پراکنده و در چارچوب مباحث کلی قراردادها بررسی شده است. برخی پژوهش‌ها، با تمرکز بر فقه امامیه، به تحلیل مفهوم رضا و تمایز آن از قصد پرداخته و بر لزوم آگاهی و اختیار در تحقق رضایت تأکید کرده‌اند (بدیعی، ۱۴۰۰). در مقابل، گروهی دیگر از پژوهش‌ها، با رویکرد حقوق تجارت الکترونیکی، اشکال نوین رضایت دیجیتال مانند Clickwrap و Browsewrap را مورد بررسی قرار داده و چالش‌های اثبات رضایت واقعی در این الگوها را برجسته ساخته‌اند (شیروی، ۱۴۰۲؛ امینی، ۱۴۰۳).

در این میان، برخی نویسندگان، رضایت ضمنی دیجیتال را امتداد طبیعی عقود معاطاتی دانسته و تلاش کرده‌اند با تسری قواعد سنتی، مشروعیت آن را توجیه کنند. با این حال، منتقدان این رویکرد بر این باورند که قیاس ساده فضای دیجیتال با معاملات حضوری، نادیده‌انگاشتن تفاوت‌های بنیادین این دو بستر است؛ تفاوت‌هایی مانند نقش طراحی پلتفرم‌ها، سرعت انعقاد قرارداد و عدم امکان مذاکره. این نقدها نشان می‌دهد که پذیرش رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نیازمند بازتعریف معیارهای احراز آن و توسعه مفاهیم حمایتی در حقوق ایران است (وحدتی، ۱۴۰۱). بررسی پیشینه پژوهش همچنین حاکی از آن است که آثار رضایت ضمنی بر تعهدات و مسئولیت‌های قراردادی، کمتر به صورت منسجم مورد تحلیل قرار گرفته است. اغلب مطالعات، یا بر اصل اعتبار رضایت تمرکز داشته‌اند یا بر حمایت از مصرف‌کننده، بدون آن‌که پیوند میان رضایت ضمنی و دامنه تعهدات ناشی از آن را به طور نظام‌مند بررسی کنند. این خلأ پژوهشی، به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال که تعهدات می‌توانند گسترده، مستمر و فناوری‌محور باشند، اهمیت ویژه‌ای دارد (عباسی، ۱۴۰۴). بنابراین، تحلیل مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه رضایت ضمنی در فقه و حقوق ایران پذیرفته شده است، اما این پذیرش همواره مشروط، محدود و مبتنی بر حمایت از اراده واقعی متعاملین بوده است. انتقال این مفهوم به فضای دیجیتال، بدون بازنگری در معیارهای احراز رضایت، می‌تواند به تضعیف عدالت قراردادی و گسترش قراردادهای ناعادلانه منجر شود.

### ۳. قراردادهای دیجیتال و شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی

قراردادهای دیجیتال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تحول حقوق خصوصی در عصر فناوری، ساختار سنتی انعقاد قراردادها را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته‌اند. این قراردادها که در بستر فضای مجازی و از طریق ابزارهای الکترونیکی منعقد می‌شوند، اغلب فاقد تعامل حضوری، مذاکره مستقیم و تبادل اراده به شیوه‌های کلاسیک هستند. در نتیجه، شیوه تحقق رضایت در این نوع قراردادها نیز از قالب‌های شناخته‌شده حقوقی فاصله گرفته و عمدتاً بر رفتارهای دیجیتال کاربران استوار شده است. این تحول، پرسش‌های جدی درباره ماهیت رضایت، نحوه احراز آن و اعتبار حقوقی رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال ایجاد کرده است؛ پرسش‌هایی که پاسخ به آن‌ها بدون تحلیل دقیق ماهیت این قراردادها امکان‌پذیر نیست (امینی، ۱۴۰۳).

قراردادهای دیجیتال معمولاً در قالب قراردادهای الحاقی ظاهر می‌شوند؛ قراردادهایی که شرایط آن‌ها از پیش و به صورت یک‌جانبه توسط ارائه‌دهنده خدمات تنظیم شده و طرف مقابل، به‌ویژه مصرف‌کننده، نقشی در تعیین مفاد آن ندارد. در این قراردادها، اراده طرف ضعیف نه در قالب توافق واقعی، بلکه در چارچوب پذیرش یا عدم استفاده از خدمت معنا می‌یابد. چنین وضعیتی باعث شده است که رضایت، بیش از آنکه نتیجه تصمیم‌گیری آگاهانه و آزادانه باشد، به رفتاری مکانیکی و گاه ناخواسته فروکاسته شود. با این

حال، نظام حقوقی ناگزیر است به این اشکال جدید از اعلام اراده واکنش نشان دهد و حدود اعتبار آن‌ها را مشخص سازد (شیروی، ۱۴۰۲). در عمل، تحقق رضایت در قراردادهای دیجیتال غالباً از طریق ابزارهایی صورت می‌گیرد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، رفتار کاربر را به عنوان نشانه پذیرش مفاد قرارداد تلقی می‌کنند. کلیک بر گزینه «می‌پذیرم»، نصب نرم‌افزار، ثبت نام در یک پلتفرم، ادامه استفاده از خدمات پس از اعلام شرایط، و حتی صرف ورود به یک وبسایت، از جمله مصادیقی هستند که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، به عنوان جلوه‌هایی از رضایت ضمنی یا صریح دیجیتال شناخته می‌شوند. با این حال، مسئله اساسی آن است که آیا این رفتارها همواره می‌توانند کاشف از رضایت واقعی باشند یا خیر (رضایی، ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تحقق رضایت در قراردادهای دیجیتال، استفاده از الگوهای موسوم به «کلیک‌محور» است که در آن‌ها کاربر با فشردن یک دکمه یا علامت مشخص، موافقت خود را با شرایط اعلام می‌کند. اگرچه این شیوه در ظاهر، نوعی رضایت صریح محسوب می‌شود، اما در واقع، در بسیاری از موارد واجد ویژگی‌های رضایت ضمنی است؛ زیرا کاربر معمولاً بدون مطالعه دقیق شرایط، صرفاً برای دسترسی سریع به خدمت، اقدام به کلیک می‌کند. این وضعیت، به‌ویژه زمانی که متن قرارداد طولانی، پیچیده و غیرقابل فهم برای کاربران عادی باشد، موجب تردید جدی در آگاهانه بودن رضایت می‌شود (بدیعی، ۱۴۰۰). شیوه دیگر تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، استمرار استفاده از خدمات پس از اعلام شرایط یا تغییر آن‌هاست. در این حالت، ارائه‌دهنده خدمت با درج اعلامیه‌ای مبنی بر تغییر شرایط، ادامه استفاده کاربر از پلتفرم را به عنوان پذیرش ضمنی شرایط جدید تلقی می‌کند. این شیوه، اگرچه از منظر کارایی اقتصادی و سرعت معاملات قابل توجیه است، اما از منظر حقوقی، با چالش‌های متعددی مواجه می‌شود. از جمله آن که کاربر ممکن است اساساً متوجه تغییر شرایط نشده یا به دلیل وابستگی به خدمت، ناگزیر از ادامه استفاده باشد. در چنین شرایطی، انتساب رضایت واقعی به کاربر، محل تردید جدی است (وحدتی، ۱۴۰۱).

در برخی قراردادهای دیجیتال، حتی سکوت یا عدم واکنش کاربر نیز به عنوان رضایت ضمنی تلقی می‌شود. برای مثال، عدم لغو اشتراک در مهلت مقرر یا عدم مخالفت با شرایط اعلام شده، به منزله پذیرش قرارداد فرض می‌شود. این رویکرد، به‌طور مستقیم با اصول سنتی حقوق مدنی ایران در تعارض قرار دارد؛ زیرا سکوت، اصولاً کاشف از رضایت نیست، مگر در موارد استثنایی که عرف یا قانون آن را دال بر قبول بدانند. توسعه چنین فرض‌هایی در فضای دیجیتال، بدون ملاحظات حمایتی، می‌تواند به تضعیف اراده واقعی کاربران منجر شود (بدیعی، ۱۴۰۰). تحلیل شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، بدون توجه به نقش طراحی فناوری و معماری پلتفرم‌ها ناقص خواهد بود. در بسیاری از موارد، نحوه طراحی رابط کاربری به‌گونه‌ای است که کاربر را به پذیرش سریع شرایط سوق می‌دهد و امکان انتخاب آگاهانه را محدود می‌سازد. استفاده از رنگ‌ها، اندازه دکمه‌ها، مسیرهای اجباری و پنهان‌سازی گزینه‌های رد یا خروج، همگی می‌توانند بر تصمیم‌گیری کاربر اثر بگذارند. این عوامل، اگرچه ظاهراً خارج از چارچوب حقوقی قرار دارند، اما در واقع مستقیماً بر تحقق رضایت و اعتبار آن اثر می‌گذارند و می‌توانند مصداقی از اغفال یا فشار غیرمستقیم تلقی شوند (امینی، ۱۴۰۳).

از منظر حقوق مدنی، رضایت ضمنی تنها زمانی معتبر است که رفتار شخص، عرفاً دلالت روشن بر قصد پذیرش داشته باشد و هیچ‌یک از عیوب اراده، مانند اشتباه، اکراه یا اغفال، آن را مخدوش نکند. همان‌گونه که در مباحث عیوب اراده آمده است، اشتباه ناشی از عدم شفافیت شرایط یا پیچیدگی قراردادهای دیجیتال، می‌تواند رضایت را از حالت معتبر خارج سازد. همچنین، فشارهای روانی یا اقتصادی

ناشی از وابستگی به خدمات دیجیتال، می‌تواند مصداقی از اکراه مدرن تلقی شود؛ اکراهی که اگرچه فاقد تهدید فیزیکی است، اما اختیار واقعی کاربر را سلب می‌کند (شیروی، ۱۴۰۲؛ وحدتی، ۱۴۰۱). در فقه امامیه نیز، اگرچه رضایت ضمنی در قالب عقود معاطاتی پذیرفته شده است، اما این پذیرش همواره مبتنی بر وجود قرائن روشن و آگاهی طرفین بوده است. قیاس ساده رفتارهای دیجیتال با معاملات معاطاتی سنتی، نادیده‌انگاشتن تفاوت‌های بنیادین این دو بستر است. در معاملات معاطاتی، طرفین معمولاً با آگاهی نسبی از موضوع معامله و شرایط آن اقدام می‌کنند، در حالی که در قراردادهای دیجیتال، حجم اطلاعات، پیچیدگی مفاد و عدم توازن اطلاعاتی، امکان تحقق چنین آگاهی‌ای را به شدت کاهش می‌دهد (امینی، ۱۴۰۳). در نتیجه، می‌توان گفت که شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، اگرچه از نظر شکلی متنوع و نوآورانه هستند، اما از نظر ماهوی با چالش‌های جدی مواجه‌اند. اعتبار حقوقی این شیوه‌ها، نه صرفاً به وجود رفتار ظاهری کاربر، بلکه به شرایط تحقق آن رفتار، میزان آگاهی، آزادی اراده و فقدان عیوب اراده بستگی دارد. نادیده گرفتن این ملاحظات، می‌تواند رضایت ضمنی را به ابزاری برای تحمیل تعهدات ناعادلانه بدل سازد و تعادل قراردادی را بر هم زند (فلاحی، ۱۴۰۳).

بر این اساس، تحلیل قراردادهای دیجیتال و شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، برای مواجهه مؤثر با این پدیده، نیازمند تفسیر موسع و در عین حال حمایتی از مفاهیم سنتی رضایت است؛ تفسیری که ضمن پذیرش واقعیت‌های فناوری، از فروکاستن رضایت به یک رفتار صوری و فاقد اراده واقعی جلوگیری کند و زمینه را برای تبیین دقیق آثار حقوقی این نوع رضایت در تعهدات قراردادی فراهم سازد.

#### ۴. اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال

اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین مسائل حقوقی قراردادها در عصر فناوری محسوب می‌شود. رضایت، به‌عنوان رکن اساسی صحت عقد، نه تنها شرط تحقق تعهدات قراردادی است، بلکه مبنای مشروعیت الزام حقوقی طرفین نیز به‌شمار می‌رود. در قراردادهای دیجیتال، این رکن اساسی غالباً نه از طریق بیان صریح اراده، بلکه از رهگذر رفتارهای دیجیتال کاربران استنباط می‌شود؛ رفتارهایی که ممکن است آگاهانه، نیمه‌آگاهانه یا حتی کاملاً منفعلانه باشند. از همین رو، پرسش از اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی، در واقع پرسش از میزان التزام نظام حقوقی به اراده واقعی طرفین در بستر دیجیتال است (امینی، ۱۴۰۳). در حقوق مدنی ایران، اصل بر آن است که رضایت باید مبتنی بر قصد و اختیار باشد و صرف وجود رفتار ظاهری، بدون احراز اراده واقعی، برای ایجاد تعهد کافی نیست. هرچند قانون‌گذار، رضایت ضمنی را به‌طور مطلق نفی نکرده و در مواردی آن را معتبر دانسته است، اما این اعتبار همواره مشروط به وجود قرائنی است که عرفاً دلالت روشن بر پذیرش مفاد قرارداد داشته باشند. به بیان دیگر، رضایت ضمنی تنها زمانی واجد اثر حقوقی است که بتوان از آن، قصد انشاء و قبول تعهد را استنباط کرد. این قاعده، که ریشه در فقه امامیه و اصول کلی حقوق قراردادها دارد، در مواجهه با قراردادهای دیجیتال با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود (رضایی، ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین مبانی ارزیابی اعتبار رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، بررسی نسبت آن با اصل «لزوم آگاهی» در تحقق اراده است. در فقه امامیه، رضایت زمانی معتبر تلقی می‌شود که مبتنی بر علم اجمالی به موضوع و آثار معامله باشد و جهل فاحش، رضایت

را از اعتبار ساقط می‌کند. همین منطق در حقوق مدنی ایران نیز پذیرفته شده و اشتباه اساسی یا جهل مؤثر می‌تواند عقد را غیرنافذ یا قابل ابطال سازد. در قراردادهای دیجیتال، به دلیل پیچیدگی شرایط، طولانی بودن متون قراردادی و عدم شفافیت مفاد، احراز آگاهی واقعی کاربران با دشواری‌های جدی مواجه است. بنابراین، اعتبار شرط رضایت ضمنی، به‌طور مستقیم به میزان شفافیت، قابلیت فهم و دسترس‌پذیری شروط قراردادی وابسته است (بدیعی، ۱۴۰۰). از منظر حقوقی، نمی‌توان هر رفتار دیجیتال را به‌طور مطلق نشانه رضایت معتبر تلقی کرد. کلیک بر گزینه «می‌پذیرم» یا ادامه استفاده از یک پلتفرم، تنها زمانی می‌تواند واجد اثر حقوقی باشد که کاربر، امکان واقعی برای آگاهی از مفاد قرارداد و انتخاب آزادانه میان پذیرش یا رد آن داشته باشد. در غیر این صورت، چنین رفتاری بیشتر به سکوت یا انفعال شباهت دارد تا اعلام اراده آگاهانه. این تمایز، به‌ویژه در قراردادهای الحاقی دیجیتال اهمیت می‌یابد؛ زیرا کاربر معمولاً در موقعیتی نابرابر قرار دارد و فقدان امکان مذاکره، اراده او را به‌شدت محدود می‌کند (شیروی، ۱۴۰۲).

نقش عیوب اراده در ارزیابی اعتبار رضایت ضمنی، جایگاه محوری دارد. همان‌گونه که در حقوق مدنی ایران پذیرفته شده است، اشتباه، اکراه و اغفال می‌توانند رضایت را از اعتبار ساقط کنند. در قراردادهای دیجیتال، این عیوب نه‌تنها شایع‌تر، بلکه پنهان‌تر نیز هستند. اشتباه ناشی از عدم شفافیت شروط، اغفال ناشی از پنهان‌سازی اطلاعات مهم یا طراحی گمراه‌کننده رابط کاربری، و اکراه ناشی از فشارهای اقتصادی یا فنی، همگی می‌توانند رضایت ضمنی را مخدوش سازند. در چنین شرایطی، پذیرش مطلق اعتبار رضایت ضمنی، بدون بررسی این عوامل، با اصول بنیادین حقوق مدنی در تعارض قرار می‌گیرد (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، غالباً به‌عنوان ابزاری برای توجیه گسترش دامنه تعهدات قراردادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال، با استناد به رضایت ضمنی کاربران، شروطی نظیر محدودسازی مسئولیت، انتقال ریسک، تغییر یک‌جانبه قرارداد و پردازش گسترده داده‌های شخصی را بر آنان تحمیل می‌کنند. این در حالی است که اعتبار چنین شروطی، در صورتی قابل دفاع است که رضایت کاربر نسبت به آن‌ها، واقعی، آگاهانه و آزادانه باشد. در غیر این صورت، این شروط می‌توانند مصداق شروط ناعادلانه تلقی شوند که با اصول حسن نیت و عدالت قراردادی سازگار نیستند (وحدتی، ۱۴۰۱).

در تحلیل اعتبار حقوقی رضایت ضمنی، باید به اصل «تفسیر به نفع متعهد» یا طرف ضعیف قرارداد نیز توجه داشت. در حقوق ایران، هرگاه در اراده یا مفاد قرارداد تردید وجود داشته باشد، تفسیر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که کمترین تعهد را بر عهده متعهد بگذارد. اعمال این اصل در قراردادهای دیجیتال، اقتضا می‌کند که در موارد تردید در تحقق رضایت واقعی، از انتساب تعهدات سنگین به کاربران خودداری شود. این رویکرد، نه‌تنها با اصول حقوق مدنی سازگار است، بلکه می‌تواند نقش مهمی در حمایت از مصرف‌کنندگان در فضای دیجیتال ایفا کند (رضایی، ۱۳۸۷). از منظر فقهی نیز، پذیرش اعتبار رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نیازمند احتیاط و دقت ویژه است. اگرچه فقه امامیه، عقود معاطاتی را معتبر دانسته، اما این اعتبار همواره بر پایه تعامل مستقیم، آگاهی عرفی و فقدان فریب استوار بوده است. در فضای دیجیتال، بسیاری از این پیش‌فرض‌ها وجود ندارد و رفتار کاربر، لزوماً دلالت روشنی بر قصد انشاء ندارد. بنابراین، تسری بی‌قیدوشرط قواعد معاطات به قراردادهای دیجیتال، می‌تواند به تضعیف مبانی فقهی حمایت از اراده واقعی بینجامد (امینی، ۱۴۰۳).

در سطح تقنینی، سکوت یا کلی‌گویی مقررات تجارت الکترونیکی درباره معیارهای احراز رضایت ضمنی، موجب شده است که اعتبار این نوع رضایت، به تفسیر قضایی و دکتربین حقوقی واگذار شود. این وضعیت، خطر صدور آراء متعارض و کاهش امنیت حقوقی را

به‌همراه دارد. در غیاب معیارهای روشن، ممکن است دادگاه‌ها صرف وجود رفتار دیجیتال را دلیل کافی بر رضایت تلقی کنند، بی‌آنکه به شرایط تحقق آن توجه نمایند. چنین رویکردی، می‌تواند به مشروعیت‌بخشی به قراردادهایی منجر شود که رضایت در آن‌ها صرفاً ظاهری و صوری است (عباسی‌اندواری، ۱۴۰۱). با این حال، انکار کلی اعتبار رضایت ضمنی نیز راه‌حل مناسبی نیست. قراردادهای دیجیتال، به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد نوین، نیازمند سازوکارهای ساده و سریع برای انعقاد هستند و الزام به رضایت صریح و مکتوب در تمامی موارد، می‌تواند کارایی این قراردادها را به‌شدت کاهش دهد. بنابراین، چالش اصلی، نه پذیرش یا رد مطلق رضایت ضمنی، بلکه تعیین معیارهایی برای اعتبارسنجی آن است؛ معیارهایی که بتوانند میان کارایی اقتصادی و حمایت از اراده واقعی تعادل برقرار کنند (شیروی، ۱۴۰۲).

در این چارچوب، می‌توان گفت که شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، تنها در صورتی از اعتبار حقوقی برخوردار است که اولاً رفتار کاربر، عرفاً دلالت روشن بر پذیرش مفاد قرارداد داشته باشد، ثانیاً شرایط قرارداد به‌گونه‌ای شفاف و قابل فهم ارائه شده باشد، ثالثاً کاربر امکان واقعی برای انتخاب و رد قرارداد داشته باشد، و رابعاً هیچ‌یک از عیوب اراده، رضایت او را مخدوش نکرده باشد. فقدان هر یک از این شرایط، می‌تواند اعتبار حقوقی رضایت ضمنی را با تردید جدی مواجه سازد (بدیعی، ۱۴۰۰؛ وحدتی، ۱۴۰۱). بنابراین، تحلیل اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی نشان می‌دهد که این مفهوم، در حقوق ایران، واجد ماهیتی نسبی و مشروط است و نمی‌تواند به‌عنوان مبنایی مطلق برای تحمیل تعهدات قراردادی در فضای دیجیتال مورد استفاده قرار گیرد. پذیرش آگاهانه این محدودیت‌ها، نه‌تنها با مبانی فقهی و حقوقی ایران سازگار است، بلکه می‌تواند به ارتقای عدالت قراردادی، حمایت از طرف ضعیف و افزایش اعتماد عمومی به معاملات دیجیتال منجر شود.

## ۵. آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی طرفین

رضایت ضمنی، هرچند در ظاهر صرفاً یکی از شیوه‌های تحقق اراده در قراردادهای دیجیتال به‌شمار می‌رود، اما در عمل آثار عمیق و گسترده‌ای بر دامنه، ماهیت و شدت تعهدات قراردادی طرفین بر جای می‌گذارد. به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال الحاقی، که رضایت غالباً نه از طریق توافق واقعی بلکه از رهگذر رفتارهای از پیش هدایت‌شده کاربر استنباط می‌شود، پذیرش رضایت ضمنی می‌تواند به گسترش چشمگیر تعهدات یک‌جانبه و محدودسازی حقوق طرف ضعیف قرارداد منجر شود. از این منظر، بررسی آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی، در واقع بررسی پیامدهای حقوقی شناسایی یا عدم شناسایی اراده واقعی در فضای دیجیتال است (امینی، ۱۴۰۳).

نخستین و بنیادی‌ترین اثر رضایت ضمنی، ایجاد التزام قراردادی و الزام طرفین به مفاد قرارداد دیجیتال است. در صورتی که رضایت ضمنی معتبر تلقی شود، تمامی شروط مندرج در قرارداد، اعم از شروط اصلی و تبعی، برای طرفین لازم‌الاجرا خواهد بود. این الزام، شامل تعهدات مالی، تعهدات رفتاری، محدودیت‌های حقوقی و حتی سلب یا تحدید برخی حقوق قانونی کاربر می‌شود. در عمل، بسیاری از پلتفرم‌های دیجیتال با استناد به رضایت ضمنی کاربران، دامنه گسترده‌ای از تعهدات را بر آنان تحمیل می‌کنند؛ تعهداتی که اگر رضایت به‌صورت صریح و آگاهانه اخذ می‌شد، ممکن بود هرگز مورد پذیرش قرار نگیرد (شیروی، ۱۴۰۲). از مهم‌ترین آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی، می‌توان به گسترش تعهدات تبعی اشاره کرد. در قراردادهای سنتی، تعهدات تبعی معمولاً به‌صورت محدود و مشخص تعریف می‌شوند، اما در قراردادهای دیجیتال، رضایت ضمنی می‌تواند مبنای پذیرش مجموعه‌ای از تعهدات

پنهان یا غیرمنتظره قرار گیرد. برای مثال، تعهد به پذیرش تغییرات آتی قرارداد، تعهد به تبعیت از سیاست‌های داخلی پلتفرم، یا تعهد به حل‌وفصل اختلافات از طریق داوری‌های از پیش تعیین‌شده، همگی معمولاً بر پایه رضایت ضمنی توجیه می‌شوند. این در حالی است که کاربر، در بسیاری از موارد، آگاهی روشنی از وجود یا آثار چنین تعهداتی ندارد (بدیعی، ۱۴۰۰).

اثر مهم دیگر رضایت ضمنی، تأثیر آن بر تعادل قراردادی میان طرفین است. تعادل قراردادی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای، اقتضا می‌کند که تعهدات طرفین متناسب، منصفانه و مبتنی بر رضایت واقعی باشد. در قراردادهای دیجیتال، پذیرش رضایت ضمنی بدون ملاحظات حمایتی، غالباً این تعادل را بر هم می‌زند و کفه تعهدات را به‌طور نامتوازن به زیان کاربر سنگین می‌کند. این عدم تعادل، نه‌تنها در میزان تعهدات، بلکه در نوع و کیفیت آن‌ها نیز قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که ارائه‌دهنده خدمت، از آزادی عمل گسترده برخوردار است، در حالی که کاربر با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها مواجه می‌شود (وحدتی، ۱۴۰۱). رضایت ضمنی همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای در تحدید یا توسعه مسئولیت‌های قراردادی طرفین ایفا می‌کند. بسیاری از قراردادهای دیجیتال، با استناد به رضایت ضمنی کاربران، شروطی را دربر می‌گیرند که مسئولیت ارائه‌دهنده خدمت را به‌شدت محدود یا حتی ساقط می‌کند. این شروط ممکن است شامل سلب مسئولیت در قبال خسارات ناشی از نقص خدمات، از دست رفتن داده‌ها یا نقض امنیت اطلاعات باشد. پذیرش چنین شروطی، اگر مبتنی بر رضایت واقعی نباشد، می‌تواند به تضعیف حمایت‌های قانونی از کاربران منجر شود و آنان را در موقعیت آسیب‌پذیری جدی قرار دهد (امینی، ۱۴۰۳).

از منظر حقوق مدنی ایران، آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی، همواره تابع اعتبار خود رضایت است. اگر رضایت ضمنی به‌دلیل وجود عیوب اراده، فاقد اعتبار باشد، تعهدات ناشی از آن نیز نمی‌توانند به‌طور کامل الزام‌آور تلقی شوند. برای مثال، اگر رضایت کاربر ناشی از اشتباه اساسی درباره ماهیت یا آثار قرارداد باشد، تعهدات تحمیل‌شده بر او قابل ابطال خواهد بود. همین‌طور، اگر رضایت ضمنی تحت فشار یا اکراه دیجیتال حاصل شده باشد، نمی‌توان آن را مبنای مشروع ایجاد تعهد دانست (شیروی، ۱۴۰۲؛ بدیعی، ۱۴۰۰). یکی دیگر از آثار مهم رضایت ضمنی، تأثیر آن بر حدود تفسیر تعهدات قراردادی است. در حقوق ایران، هرگاه در مفاد قرارداد یا دامنه تعهدات ابهام وجود داشته باشد، تفسیر باید به‌گونه‌ای انجام شود که با قصد واقعی طرفین سازگار باشد. در قراردادهای دیجیتال، که رضایت غالباً ضمنی و غیرشفاف است، احراز قصد واقعی کاربر با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، اعمال اصل تفسیر به نفع طرف ضعیف قرارداد، اهمیت دوچندان می‌یابد و می‌تواند از توسعه ناموجه تعهدات کاربر جلوگیری کند (رضایی، ۱۳۸۷).

رضایت ضمنی همچنین می‌تواند بر بقای تعهدات قراردادی در طول زمان اثرگذار باشد. بسیاری از قراردادهای دیجیتال، مبتنی بر روابط مستمر و طولانی‌مدت هستند و تعهدات ناشی از آن‌ها، با تغییر شرایط، سیاست‌ها یا فناوری‌ها دستخوش تحول می‌شود. در این موارد، ارائه‌دهندگان خدمات، اغلب با استناد به رضایت ضمنی اولیه یا استمرار استفاده کاربر، تغییرات جدید را نیز الزام‌آور تلقی می‌کنند. این رویکرد، اگرچه از منظر کارایی قابل دفاع است، اما از منظر حقوقی، تنها زمانی قابل پذیرش خواهد بود که رضایت ضمنی کاربر نسبت به تغییرات، واقعی و آگاهانه باشد (وحدتی، ۱۴۰۱). از منظر فقه امامیه، آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی، همواره در چارچوب اصل وفای به عهد و لزوم رعایت عدالت قراردادی تحلیل می‌شود. وفای به عهد، زمانی واجد ارزش اخلاقی و الزام شرعی است که عهد مبتنی بر رضایت صحیح و اراده آزاد باشد. در نتیجه، اگر رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، به‌دلیل فقدان

آگاهی یا وجود فریب، مخدوش باشد، تعهدات ناشی از آن نیز نمی‌توانند به‌طور کامل معتبر تلقی شوند. این نگاه فقهی، می‌تواند مبنایی مهم برای محدودسازی آثار رضایت ضمنی در قراردادهای ناعادلانه دیجیتال فراهم آورد (امینی، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، نمی‌توان آثار مثبت رضایت ضمنی را در تسهیل و تسریع روابط قراردادی نادیده گرفت. رضایت ضمنی، امکان انعقاد سریع قراردادهای، کاهش هزینه‌های معاملاتی و گسترش تعاملات اقتصادی در فضای دیجیتال را فراهم کرده است. بدون پذیرش حداقلی از رضایت ضمنی، بسیاری از خدمات دیجیتال عملاً غیرقابل ارائه خواهند بود. با این حال، چالش اصلی در اینجا است که این کارایی اقتصادی، نباید به قیمت تضعیف حقوق بنیادین کاربران و تحمیل تعهدات ناعادلانه تمام شود (شیروی، ۱۴۰۲).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که رضایت ضمنی، آثار چندلایه و پیچیده‌ای بر تعهدات قراردادی طرفین در قراردادهای دیجیتال دارد. این آثار، از ایجاد و گسترش تعهدات گرفته تا تحدید مسئولیت‌ها و برهم‌زدن تعادل قراردادی را دربر می‌گیرد. اعتبار و حدود این آثار، به‌طور مستقیم به کیفیت رضایت، میزان آگاهی، آزادی اراده و فقدان عیوب اراده وابسته است. هرچه رضایت ضمنی از این معیارها فاصله بگیرد، آثار تعهدآور آن نیز باید محدودتر و با تفسیر حمایتی همراه شود (بدیعی، ۱۴۰۰؛ وحدتی، ۱۴۰۱). بنابراین، تحلیل آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، برای مواجهه منصفانه با قراردادهای دیجیتال، ناگزیر از بازتعریف حدود الزام‌آوری تعهدات مبتنی بر رضایت ضمنی است. این بازتعریف، باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ کارایی قراردادهای دیجیتال، از تبدیل رضایت ضمنی به ابزاری برای تحمیل تعهدات ناعادلانه جلوگیری کند و تعادل میان آزادی قراردادهای و حمایت از طرف ضعیف را برقرار سازد.

## ۶. مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت ضمنی در فضای دیجیتال

مسئولیت قراردادی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای حقوقی انعقاد قرارداد، در قراردادهای دیجیتال مبتنی بر رضایت ضمنی، ابعاد خاص و پیچیده‌ای پیدا می‌کند. در این نوع قراردادهای، پذیرش رضایت ضمنی نه‌تنها موجب ایجاد تعهدات قراردادی می‌شود، بلکه مبنای انتساب مسئولیت ناشی از نقض تعهدات نیز قرار می‌گیرد. از این‌رو، بررسی مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت ضمنی، مستلزم تحلیل هم‌زمان اعتبار رضایت، دامنه تعهدات و شرایط تحقق مسئولیت در بستر دیجیتال است؛ بستری که در آن، اراده طرف ضعیف قرارداد اغلب در معرض تردید و خدشه قرار دارد (امینی، ۱۴۰۳). در حقوق مدنی ایران، تحقق مسئولیت قراردادی منوط به وجود سه عنصر اساسی است: وجود تعهد معتبر، نقض تعهد و ورود ضرر، به‌همراه رابطه سببیت میان نقض تعهد و ضرر وارده. در قراردادهای دیجیتال، این عناصر به‌ظاهر همان ساختار سنتی را حفظ می‌کنند، اما رضایت ضمنی به‌عنوان مبنای ایجاد تعهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در احراز یا عدم احراز مسئولیت ایفا می‌کند. چنانچه رضایت ضمنی معتبر تلقی شود، تعهدات ناشی از آن نیز معتبر بوده و نقض آن‌ها می‌تواند مسئولیت قراردادی به‌دنبال داشته باشد. در مقابل، اگر رضایت ضمنی به‌دلیل وجود عیوب اراده مخدوش باشد، اساساً نمی‌توان مسئولیت قراردادی را بر مبنای آن استوار ساخت (شیروی، ۱۴۰۲).

یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، تعیین دامنه مسئولیت قراردادی ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال است. این ارائه‌دهندگان، غالباً با استناد به رضایت ضمنی کاربران، شروطی را در قراردادهای خود درج می‌کنند که هدف اصلی آن‌ها، تحدید یا سلب مسئولیت قراردادی است. شروطی نظیر عدم مسئولیت در قبال اختلالات فنی، از دست رفتن داده‌ها، یا خسارات غیرمستقیم، نمونه‌های رایج

این رویکرد هستند. در ظاهر، رضایت ضمنی کاربر به این شروط، می‌تواند مبنای نفی مسئولیت قراردادی تلقی شود، اما این نتیجه تنها در صورتی قابل پذیرش است که رضایت کاربر نسبت به چنین شروطی، واقعی، آگاهانه و آزادانه باشد (بدیعی، ۱۴۰۰). از منظر حقوق ایران، اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها، به‌طور مطلق پذیرفته نشده و همواره با محدودیت‌هایی نظیر نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره مواجه است. بر همین اساس، حتی در صورت پذیرش رضایت ضمنی، نمی‌توان هر نوع شرط سلب یا تحدید مسئولیت را معتبر دانست. اگر شرطی به‌گونه‌ای باشد که تعادل قراردادی را به‌شدت برهم زند یا حقوق اساسی طرف ضعیف را مخدوش سازد، استناد به رضایت ضمنی برای توجیه آن، با تردید جدی مواجه خواهد بود. این موضوع، به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال مصرف‌کننده‌محور، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند (وحدتی، ۱۴۰۱).

یکی دیگر از مسائل مهم، نقش رضایت ضمنی در انتساب تقصیر قراردادی است. در بسیاری از قراردادهای دیجیتال، ارائه‌دهندگان خدمات تلاش می‌کنند با درج شروط قراردادی، تقصیر خود را مفروضاً منتفی سازند یا بار اثبات تقصیر را به کاربر منتقل کنند. این در حالی است که در حقوق مدنی ایران، اصل بر آن است که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد، مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه عدم اجرا ناشی از عامل خارجی غیرقابل انتساب به او باشد. پذیرش رضایت ضمنی، نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که این اصل بنیادین را تضعیف کند یا مسئولیت متعهد حرفه‌ای را به‌طور ناموجه کاهش دهد (رضایی، ۱۳۸۷). در فضای دیجیتال، اثبات نقض تعهد و رابطه سببیت نیز با دشواری‌های خاصی همراه است. کاربران، اغلب به اطلاعات فنی، داده‌های سیستمی و مستندات لازم برای اثبات قصور یا تقصیر ارائه‌دهنده خدمت دسترسی ندارند. در چنین شرایطی، پذیرش بی‌قیدوشرط رضایت ضمنی و آثار مسئولیت‌زای آن، می‌تواند به بی‌پناهی حقوقی کاربران منجر شود. از این‌رو، برخی نویسندگان حقوقی بر لزوم تفسیر مضیق شروط مبتنی بر رضایت ضمنی و تقویت رویکرد حمایتی در انتساب مسئولیت قراردادی تأکید کرده‌اند (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

عیوب اراده، به‌ویژه اشتباه، اکراه و اغفال، نقش اساسی در تحلیل مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت ضمنی دارند. همان‌گونه که در مبنای حقوق مدنی و فقهی پذیرفته شده است، رضایتی که مبتنی بر اشتباه اساسی یا فریب باشد، نمی‌تواند مبنای ایجاد تعهد معتبر قرار گیرد. در قراردادهای دیجیتال، طراحی پیچیده شرایط، پنهان‌سازی اطلاعات مهم یا ایجاد فشارهای غیرمستقیم بر کاربر، می‌تواند مصداق اغفال یا اکراه تلقی شود. در چنین مواردی، نه‌تنها تعهدات قراردادی، بلکه مسئولیت ناشی از نقض آن‌ها نیز با تردید مواجه خواهد شد (بدیعی، ۱۴۰۰؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

از منظر فقه امامیه نیز، مسئولیت ناشی از عقد، فرع بر صحت عقد و رضایت صحیح طرفین است. اگر رضایت مخدوش باشد، الزام به وفای به عهد و مسئولیت ناشی از نقض آن، مبنای شرعی نخواهد داشت. این دیدگاه فقهی، به‌ویژه در مواجهه با قراردادهای دیجیتال مبتنی بر رضایت ضمنی، می‌تواند پشتوانه‌ای نظری برای محدودسازی مسئولیت‌های ناعادلانه کاربران فراهم آورد و مانع از تحمیل آثار سنگین حقوقی بر رضایت‌های صوری شود (امینی، ۱۴۰۳). در عین حال، نمی‌توان نقش رضایت ضمنی را در ایجاد مسئولیت قراردادی کاربران نیز نادیده گرفت. کاربران، در صورت پذیرش معتبر قرارداد دیجیتال، مکلف به رعایت تعهدات خود، از جمله پرداخت هزینه‌ها، رعایت قواعد استفاده و عدم سوءاستفاده از خدمات هستند. نقض این تعهدات، می‌تواند مسئولیت قراردادی آنان را در برابر ارائه‌دهنده خدمت به‌دنبال داشته باشد. با این حال، همانند مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات، دامنه این مسئولیت نیز باید با توجه به میزان آگاهی و آزادی اراده کاربر تفسیر شود و از توسعه ناموجه آن جلوگیری گردد (وحدتی، ۱۴۰۱).

یکی از آثار مهم رضایت ضمنی در حوزه مسئولیت قراردادی، انتقال یا توزیع ریسک‌های قراردادی است. در بسیاری از قراردادهای دیجیتال، ریسک‌های فنی، امنیتی و اقتصادی، با استناد به رضایت ضمنی، به کاربران منتقل می‌شود. این انتقال ریسک، اگر بدون شفافیت و آگاهی کافی صورت گیرد، می‌تواند مغایر با اصول انصاف قراردادی تلقی شود. از این‌رو، مشروعیت چنین انتقالی، تنها در صورتی قابل دفاع است که رضایت ضمنی کاربر نسبت به آن، واقعی و مبتنی بر آگاهی باشد (شیروی، ۱۴۰۲). در جمع‌بندی می‌توان گفت که مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت ضمنی در فضای دیجیتال، مفهومی نسبی و وابسته به کیفیت رضایت است. هرچه رضایت ضمنی از معیارهای آگاهی، اختیار و شفافیت فاصله بگیرد، انتساب مسئولیت قراردادی نیز باید با احتیاط و محدودیت بیشتری همراه شود. در مقابل، در مواردی که رضایت ضمنی به‌طور معتبر احراز می‌شود، نمی‌توان آثار مسئولیت‌زای آن را نادیده گرفت و باید به اصل لزوم وفای به عهد پایبند بود (رضایی، ۱۳۸۷). سرانجام، تحلیل مسئولیت قراردادی ناشی از رضایت ضمنی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، برای پاسخ‌گویی منصفانه به چالش‌های قراردادهای دیجیتال، نیازمند رویکردی متوازن است؛ رویکردی که از یک‌سو، کارایی و سرعت روابط دیجیتال را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر، با تفسیر محدود رضایت ضمنی و تقویت حمایت از طرف ضعیف، مانع از تحمیل مسئولیت‌های ناعادلانه و نامتوازن شود.

## ۷. چالش‌های حقوقی و حمایت از اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد

تحول قراردادهای سنتی به قراردادهای دیجیتال موجب ایجاد پیچیدگی‌های نوینی در فرآیند تحقق رضایت و اعمال اراده طرفین شده است. در این فضا، رضایت ضمنی، اگرچه راهکاری کارآمد برای تسهیل معاملات آنلاین تلقی می‌شود، اما در عمل بستر بروز چالش‌های حقوقی گسترده‌ای را فراهم آورده است. مهم‌ترین این چالش‌ها، مربوط به نحوه تضمین اراده واقعی و آگاهانه طرف ضعیف قرارداد، یعنی کاربر یا مصرف‌کننده خدمات دیجیتال است. در اغلب این قراردادها، الگوهای طراحی و شیوه‌های ارائه اطلاعات به‌گونه‌ای است که آزادی انتخاب کاربر محدود و رضایت او بیشتر صوری و ناشی از رفتارهای هدایت‌شده است تا اراده واقعی و آگاهانه (امینی، ۱۴۰۳). این وضعیت موجب می‌شود اعتبار رضایت ضمنی در معرض تردید قرار گیرد و از نظر حقوقی، ضرورت بازنگری در شیوه‌های استنباط رضایت و حمایت از کاربران دیجیتال احساس شود. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، عدم توازن اطلاعاتی میان طرفین قرارداد است. در قراردادهای دیجیتال، ارائه‌دهندگان خدمات غالباً از اطلاع و تسلط فنی، اقتصادی و حقوقی کامل برخوردارند، در حالی که کاربران عادی از چنین سطحی از آگاهی بی‌بهره‌اند. رضایت ضمنی کاربر در چنین شرایطی، به‌جای آنکه بیانگر تصمیم آگاهانه باشد، بیشتر حاصل ضعف دانشی و عدم شناخت شرایط واقعی قرارداد است. نبود توازن اطلاعاتی، مصداق بارز عیوب اراده به‌شمار می‌رود و می‌تواند اعتبار رضایت و آثار قراردادی آن را از اساس مخدوش کند. با توجه به مبانی مطرح در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه، رضایتی معتبر است که مبتنی بر اختیار و علم کامل باشد؛ در غیر این صورت، مشروعیت آن دچار تزلزل خواهد شد (شیروی، ۱۴۰۲؛ بدیعی، ۱۴۰۰).

چالش دیگر، فقدان شفافیت در ارائه مفاد قراردادهای دیجیتال است. بسیاری از پلتفرم‌های آنلاین، شرایط استفاده را در قالب صفحات طولانی، پیچیده و فاقد ساختار قابل فهم ارائه می‌دهند. کاربران در عمل، به دلیل دشواری درک مفاد حقوقی و نبود راهنمایی روشن، رضایت خود را بدون مطالعه و از روی اعتماد سطحی اعلام می‌کنند. این پدیده، رضایت را از حالت واقعی خارج کرده و آن را به

رضایت صوری تبدیل می‌کند. از دید فقهی نیز رضایت باید بر پایه فهم و قصد شکل گیرد؛ رضایتی که از جهل یا فریب ناشی شود، فاقد اثر شرعی است (امینی، ۱۴۰۳؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴). بنابراین یکی از مهم‌ترین راهکارهای حمایتی در این زمینه، الزام به شفافیت محتوای قراردادی و ساده‌سازی مفاد حقوقی برای کاربران است تا اراده آنان بر اساس آگاهی واقعی شکل گیرد. در کنار فقدان آگاهی، فشارهای روانی و اقتصادی دیجیتال نیز از چالش‌های مهم در تحقق اراده واقعی محسوب می‌شود. بسیاری از کاربران برای دسترسی به خدمات ضروری، ناچار به پذیرش شرایط قراردادی پلتفرم‌ها هستند، به گونه‌ای که امتناع از پذیرش قرارداد، مساوی با محرومیت از خدمت است. این نوع فشار، مصداقی از اکراه در فضای دیجیتال است، ولو بدون تهدید مستقیم (وحدتی، ۱۴۰۱). از دید حقوقی، رضایتی که تحت فشار اقتصادی یا اجتماعی حاصل شود، نمی‌تواند مبنای مشروعیت تعهدات قراردادی قرار گیرد. ضرورت دارد نظام حقوقی ایران، همان‌گونه که در ماده ۱۹۱ قانون مدنی نسبت به اکراه تصریح کرده، در حوزه قراردادهای دیجیتال نیز معیارهایی برای تشخیص فشارهای غیرمستقیم و اثر آن بر اعتبار رضایت ضمنی تدوین نماید (شیروی، ۱۴۰۲).

چالش بعدی، نقش فریب و اغفال دیجیتال (dark patterns) در تضعیف اراده کاربران است. طراحی‌های پنهان و فریبنده رابط‌های کاربری، کاربران را به انجام اقدامات خاصی مانند کلیک بر دکمه «موافقت می‌کنم» سوق می‌دهد بدون آنکه آنان به آثار حقوقی این عمل واقف باشند. از منظر حقوق ایران، چنانچه یکی از طرفین با پنهان‌سازی اطلاعات یا القای تصور غلط موجب رضایت طرف دیگر شود، رضایت حاصل شده فاقد اعتبار است (بدیعی، ۱۴۰۰؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴). بنابراین، منابع مشروع‌ساز رضایت ضمنی در فضای دیجیتال باید به گونه‌ای تنظیم شوند که در آن اصول صداقت، شفافیت و اطلاع‌رسانی کامل رعایت گردد، وگرنه پذیرش رضایت ضمنی معنایی جز اغفال کاربر نخواهد داشت. در بعد دیگر، چالش حمایت قانون‌گذار از طرف ضعیف قرارداد مطرح می‌شود. نظام حقوقی ایران، اگرچه در زمینه حمایت از مصرف‌کننده مقرراتی وضع نموده است، اما این حمایت در حوزه روابط دیجیتال هنوز به شکل منسجم توسعه نیافته است. قوانین مربوط به تجارت الکترونیک و حفاظت از داده‌های شخصی، عمدتاً جنبه عمومی دارند و به موضوع اراده و رضایت واقعی در قراردادهای دیجیتال پرداخته‌اند. برای مثال، مقررات فعلی حمایت کافی در برابر شروط غیرمنصفانه قراردادی که بر مبنای رضایت ضمنی تحمیل می‌شوند، ارائه نمی‌دهد. در حالی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، مانند اتحادیه اروپا، قواعد مشخصی برای کنترل شروط استاندارد، بررسی منصفانه بودن رضایت و حمایت از کاربران در برابر رضایت‌های صوری وجود دارد (شیروی، ۱۴۰۲).

در فقه امامیه نیز اصل «عدم تسلیط» و «نفی ضرر» می‌تواند مبنایی برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد در حوزه دیجیتال باشد. مطابق این اصول، هیچ‌کس نمی‌تواند دیگری را به پذیرش ضرر یا التزام ناعادلانه وادار کند. بنابراین، اگر رضایت ضمنی کاربر منجر به تحمیل خسارت یا تعهدات سنگین شود، این رضایت با مبانی فقهی ناسازگار خواهد بود (امینی، ۱۴۰۳). بازخوانی این اصول در بستر فناوری و قراردادهای دیجیتال، می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت سیاست‌های حمایتی از کاربران و ایجاد تعادل میان آزادی قرارداد و عدالت اجتماعی فراهم سازد. از دیگر چالش‌های حقوقی مهم، مسئله اثبات رضایت واقعی در دعاوی قضایی است. در فضای دیجیتال، اثبات اینکه کاربر با آگاهی کامل و قصد واقعی به قرارداد رضایت داده است، بسیار دشوار است. کلیک ساده یا ادامه استفاده از خدمات نمی‌تواند لزوماً نشانه اراده آگاهانه تلقی شود. در دعاوی مرتبط با رضایت ضمنی، معمولاً دادگاه‌ها به بررسی شرایط محیطی، طراحی سایت، سطح آگاهی عمومی و نحوه ارائه اطلاعات می‌پردازند تا وجود یا فقدان اراده واقعی را احراز کنند. این نکته نیازمند تدوین

دستورالعمل‌های قضایی مشخصی است تا مراجع حل اختلاف بتوانند با معیارهای دقیق‌تر، بین رضایت واقعی و رضایت صوری تمایز قائل شوند (وحدتی، ۱۴۰۱؛ رضایی، ۱۳۸۷).

افزون بر این، چالش تطبیق قواعد سنتی حقوق ایران با فضای دیجیتال نیز قابل ذکر است. قواعد مربوط به رضایت، اکراه، اشتباه و اغفال، در فضایی تدوین شده‌اند که مبتنی بر تعامل چهره‌به‌چهره و معاملات حضوری بوده است؛ حال آنکه در فضای دیجیتال، بسیاری از این مفاهیم نیازمند بازتعریف هستند. به عنوان مثال، مفهوم اکراه می‌تواند شامل فشارهای ساختاری پلتفرم، اشتباه ممکن است در اثر طراحی فنی یا هوش مصنوعی ایجاد شود و اغفال نیز ممکن است با الگوریتم‌های پیشنهاددهنده رخ دهد. این تغییرات، ضرورت انطباق مفاهیم حقوقی سنتی با واقعیت‌های نوین را برجسته می‌سازد (بدیعی، ۱۴۰۰؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴). در جمع‌بندی، چالش‌های حقوقی رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، حول محور فقدان شفافیت، ضعف اطلاعاتی، فشارهای غیرمستقیم، اغفال ساختاری و ناکافی بودن حمایت قانون‌گذار می‌چرخند. آنچه در این میان حیاتی است، طراحی یک نظام حقوقی پویا و منصفانه برای حمایت از اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد می‌باشد؛ نظامی که نه تنها به حفظ کارایی معاملات دیجیتال کمک کند، بلکه عدالت در روابط قراردادی و توازن میان طرفین را تضمین نماید. تحقق این هدف، مستلزم بازنگری در مبانی نظری رضایت، اصلاح قوانین مرتبط با تجارت الکترونیک و ایجاد سازوکارهای نظارتی و قضایی مؤثر در جهت شناسایی و حمایت از اراده واقعی کاربر است (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲؛ وحدتی، ۱۴۰۱؛ بدیعی، ۱۴۰۰).

## ۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال نشان می‌دهد که این نهاد، اگرچه به‌عنوان یکی از ابزارهای ضروری برای تسهیل و تسریع روابط قراردادی در عصر دیجیتال شکل گرفته است، اما در عین حال با چالش‌های نظری و عملی قابل توجهی در نظام حقوقی ایران مواجه است. رضایت ضمنی، در مقایسه با رضایت صریح، ماهیتی تفسیری و مبتنی بر قرائن دارد و همین ویژگی موجب می‌شود که احراز اراده واقعی طرفین، به‌ویژه در قراردادهای استاندارد و انبوه دیجیتال، با ابهام و تردید همراه باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پذیرش بی‌قیدوشرط رضایت ضمنی، بدون توجه به کیفیت رضایت و شرایط تحقق آن، می‌تواند به تضعیف مبانی کلاسیک حقوق قراردادهای و خدشه به اصل حاکمیت اراده منجر شود (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

در نظام حقوقی ایران، رضایت به‌عنوان رکن اساسی قرارداد، همواره مقید به آگاهی، اختیار و قصد انشایی بوده است. بررسی مبانی فقه امامیه و حقوق مدنی نشان داد که رضایت ضمنی تنها در صورتی می‌تواند منشأ آثار حقوقی معتبر باشد که بر پایه قرائن روشن، رفتار معنادار و فقدان عیوب اراده استوار باشد. در غیر این صورت، رضایت ضمنی نه تنها نمی‌تواند مبنای الزام‌آور برای تعهدات قراردادی تلقی شود، بلکه ممکن است زمینه‌ساز تحمیل تعهدات ناعادلانه بر طرف ضعیف قرارداد گردد. این نتیجه‌گیری، به‌ویژه در بستر قراردادهای دیجیتال که کاربران غالباً با عدم توازن اطلاعاتی و فنی مواجه‌اند، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند (بدیعی، ۱۴۰۰؛ وحدتی، ۱۴۰۱).

یافته‌های پژوهش در خصوص آثار رضایت ضمنی بر تعهدات قراردادی نشان داد که این نوع رضایت، می‌تواند موجب ایجاد، توسعه یا تحدید تعهدات طرفین شود، اما دامنه این آثار، تابع مستقیم میزان شفافیت و آگاهی کاربر است. در بسیاری از قراردادهای دیجیتال، ارائه‌دهندگان خدمات با استناد به رضایت ضمنی، شروطی را تحمیل می‌کنند که تعادل قراردادی را به نفع آنان برهم می‌زند. این وضعیت، با اصول انصاف قراردادی و مبانی فقهی نظیر نفی ضرر و منع غرر سازگار نیست. از این‌رو، نمی‌توان صرف رفتار ظاهری کاربر را دلیل کافی بر پذیرش همه آثار قراردادی دانست، بلکه لازم است کیفیت رضایت و شرایط تحقق آن، معیار اصلی تفسیر تعهدات قرار گیرد (امینی، ۱۴۰۳؛ رضایی، ۱۳۸۷). در حوزه مسئولیت قراردادی نیز روشن شد که رضایت ضمنی، نقشی تعیین‌کننده در انتساب مسئولیت دارد، اما این نقش مطلق و غیرقابل تردید نیست. چنانچه رضایت ضمنی مخدوش یا صوری باشد، مسئولیت قراردادی ناشی از آن نیز فاقد مبنای حقوقی معتبر خواهد بود. به‌ویژه شروط تحدید یا سلب مسئولیت که بر مبنای رضایت ضمنی تحمیل می‌شوند، باید با دقت و تفسیر مضیق مورد بررسی قرار گیرند. تحلیل انجام‌شده نشان داد که حقوق ایران، با تکیه بر قواعد عمومی مسئولیت و مبانی فقهی، ظرفیت لازم برای محدودسازی این‌گونه شروط و حمایت از کاربران دیجیتال را داراست، اما این ظرفیت هنوز به‌صورت منسجم و نظام‌مند به‌کار گرفته نشده است (شیروی، ۱۴۰۲؛ بدیعی، ۱۴۰۰).

بررسی چالش‌های حقوقی رضایت ضمنی، به‌ویژه در ارتباط با حمایت از اراده واقعی طرف ضعیف قرارداد، نشان داد که مهم‌ترین تهدیدها شامل فقدان شفافیت قراردادی، فشارهای روانی و اقتصادی دیجیتال، اغفال ساختاری و دشواری اثبات رضایت واقعی در مراجع قضایی است. این چالش‌ها، نشان‌دهنده آن است که قواعد سنتی حقوق قراردادهای، اگرچه از حیث مبنایی معتبرند، اما در مواجهه با واقعیت‌های فضای دیجیتال، نیازمند تفسیر پویا و روزآمد هستند. بدون چنین بازخوانی‌ای، رضایت ضمنی می‌تواند به ابزاری برای مشروع‌سازی نابرابری قراردادی بدل شود (فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴؛ وحدتی، ۱۴۰۱). بر پایه نتایج این پژوهش، می‌توان چند پیشنهاد اساسی ارائه کرد. نخست، لزوم تقویت معیارهای احراز رضایت واقعی در قراردادهای دیجیتال است؛ به‌گونه‌ای که صرف کلیک یا استفاده از خدمات، به‌عنوان دلیل قطعی رضایت تلقی نشود و شرایط محیطی، سطح آگاهی کاربر و نحوه ارائه اطلاعات نیز مورد توجه قرار گیرد. دوم، الزام به شفافیت و ساده‌سازی مفاد قراردادهای دیجیتال باید به‌عنوان یک قاعده آمره در نظر گرفته شود تا کاربران بتوانند با آگاهی واقعی تصمیم‌گیری کنند. سوم، کنترل قضایی و قانونی شروط غیرمنصفانه مبتنی بر رضایت ضمنی ضروری است، به‌ویژه در مواردی که این شروط منجر به سلب یا تحدید ناموجه مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات می‌شود (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

افزون بر این، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایرانی با الهام از مبانی فقه امامیه و اصول حمایتی حقوق مصرف‌کننده، مقررات ویژه‌ای برای قراردادهای دیجیتال تدوین نماید که در آن، جایگاه رضایت ضمنی، حدود اعتبار آن و آثار حقوقی‌اش به‌صورت شفاف تبیین شود. چنین اقدامی می‌تواند از تشتت رویه قضایی جلوگیری کرده و امنیت حقوقی کاربران و فعالان اقتصادی را به‌طور هم‌زمان تضمین کند. همچنین، توسعه آموزش‌های حقوقی عمومی در حوزه قراردادهای دیجیتال، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سطح آگاهی کاربران و تقویت اراده واقعی آنان ایفا نماید (بدیعی، ۱۴۰۰؛ رضایی، ۱۳۸۷). بنابراین، این پژوهش به این جمع‌بندی می‌رسد که رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نه نهادی مطلقاً نامعتبر و نه ابزاری کاملاً قابل اعتماد است، بلکه نهادی نسبی و وابسته به شرایط تحقق رضایت می‌باشد. اعتبار حقوقی شرط رضایت ضمنی و آثار آن بر تعهدات قراردادی، تنها در صورتی قابل دفاع است که نظام حقوقی با رویکردی متوازن، هم‌کارایی روابط دیجیتال را به رسمیت بشناسد و هم از اراده واقعی و منافع طرف ضعیف

قرارداد حمایت مؤثر به عمل آورد. تحقق این توازن، شرط اساسی عدالت قراردادی در عصر دیجیتال است (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲؛ وحدتی، ۱۴۰۱؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

## منابع

- احمدی، حبیب‌طالب، فرهمند، آذر. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی حمایت از مصرف‌کنندگان در قراردادهای رایانش ابری در حقوق اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران. دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۸(۲۰)، ۲۷۱-۳۰۵.
- اکبری، پهلوان زاده، ایرانشاهی. (۱۴۰۳). رویکردهای قانونگذاری در قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۶(۳)، ۱۹۷-۲۱۲.
- امیرآبادی فراهانی، طبائی، مهشید سادات، ششمیری. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی قانون حاکم و تأثیر آن بر اعتبار قراردادهای متاورسی. مطالعات فقه و حقوق رسانه
- امینی، ع. (۱۴۰۳). حقوق قراردادها. تهران: گنج دانش.
- آهنگران، م. ر. (۱۳۹۹). قراردادهای الکترونیکی: انعقاد تا انحلال (مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و کنوانسیون ژنو ۲۰۰۵). مجد.
- بدیعی، ع.ا- (۱۴۰۰). قراردادهای الکترونیکی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق بین‌الملل. خوبی.
- جان محمدی، جان محمدی، حسینی. (۱۴۰۳). تحلیل ابعاد حقوقی قرارداد تامین محتوا و خدمات دیجیتال با تأکید بر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۸)، ۲۲۹-۲۵۸.
- حاجبی، عامری سیاهویی. (۱۴۰۴). بررسی ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج‌های آنلاین و قراردادهای مرتبط با تأکید بر حقوق زنان. پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان
- حسینی مقدم، سلیمانی اندرور. (۱۴۰۲). تعهدات فروشنده در انطباق مادی کالاهایی با عناصر دیجیتالی در دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۹ و وضعیت آن در حقوق ایران. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۲)، ۲۴۷-۲۷۶.
- خجندی جزی، پروین، خیرالله، میرزاده کوهشاهی. (۱۴۰۴). فرصت‌ها و چالش‌های دارایی‌های دیجیتال از منظر حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران و کانادا. فلسفه حقوق.
- دادآفرین کیانفر، اعظمی راد مهشیدالملوک. (۱۴۰۴). امکان شناسایی شخصیت حقوقی برای رباتها در چارچوب حقوق سایبری آینده نگر.
- دهقانی تفتی، افضل‌ی مهر، اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای هوشمند دیجیتالی از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی در نظام حقوقی ایران و مقررات رم یک. حقوق فناوری‌های نوین، ۲(۴)، ۲۰۳-۲۲۵.
- دهقانی تفتی، افضل‌ی مهر، اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی الزامات حقوقی طراحی قراردادهای هوشمند دیجیتالی در حقوق ایران و فرانسه. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۶(۲)، ۲۹-۵۱.
- رضایی، ع. (۱۳۸۷). حقوق تجارت الکترونیکی. میزان.
- رهبری، مسعودی تفرشی، آرین. (۱۴۰۳). الزامات قراردادهای بازارگاه‌های دیجیتال با کاربران تجاری از منظر حقوق رقابت بین‌پلتفرمی. پژوهش‌های حقوق اقتصادی و تجاری، ۱(۴)، ۹۵-۱۲۵.
- رهبری، مسعودی تفرشی، آرین. (۱۴۰۳). خودترجیحی در پلتفرم‌های دیجیتال: تحلیل حقوق رقابتی رفتارهای ترجیحی و ضرورت و ملاحظات وضع مقررات رقابتی پیشگیرانه. مجله علمی، ۲۱(۱)، ۹۱-۱۰۷.

- شاپور گل محمدی ننه کران، محمدرضا نسب پور مولائی. (۱۴۰۴). قراردادهای هوشمند دیجیتالی و قانون حاکم بر آنها در پرتو حقوق بین الملل خصوصی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۳)، ۱۷۹-۱۹۹.
- شیروی، ع. ح. (۱۴۰۲). حقوق قراردادها (انعقاد، آثار و انحلال). تهران: سمت.
- عباسی، ت. ح. (۱۴۰۴). اندیشه های نو در حقوق قراردادها. تهران: دادگستر.
- عباسی اندواری، م. ت. (۱۴۰۱). حقوق قراردادها و تعهدات (جلد ۱). تهران: مجد.
- فتاحیان، فناد. (۱۴۰۴). ماهیت شناسی، احکام و آثار قرارداد توکن های غیرقابل تعویض (NFT) در حقوق ایران. حقوق فناوری های نوین، ۶(۱۲)، ۱۲۷-۱۴۶.
- فلاحی، آ. (۱۴۰۳). حقوق قراردادهای نوین. مجد.
- فیضی چکاب، غلام نبی، عاکفی قاضیانی، وحید. (۱۴۰۱). ماهیت معاملات مربوط به محصولات دیجیتالی در حقوق آمریکا با رویکردی تطبیقی به فقه اسلامی و حقوق ایران. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۳(۲۹)، ۲۱۷-۲۴۷.
- کریمی، سحر، سینمیری، پریسا. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی امضای دیجیتال در قراردادهای هوشمند در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. مطالعات حقوقی فضای مجازی، ۱۰(۳)، ۲-۱۴.
- مافی، همایون. (۱۴۰۰). واکاوی مکانیسم احراز اهلیت متعاملین در پیاده سازی قراردادهای هوشمند در حقوق ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۲۵(۹۸)، ۲۷۹-۳۲۰.
- محمدی، م. (۱۳۹۳). انعقاد قراردادهای الکترونیکی: مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ ژنو. تهران: دانشگاه مفید.
- محمودی، سیدفضل الله. (۱۳۹۵). جایگاه خیارات مختص بیع در قراردادهای الکترونیکی در حقوق مدنی ایران. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۴(۲)، ۸۸-۹۶.
- ملاهاشمی، م. ر. (۱۴۰۲). قراردادها (چاپ چهارم). تهران: انتشارات اندیشه بیگی. سال نشر: ۱۴۰۲. ISBN: ۹۷۸۶۲۲۵۹۵۲۱۳۳.
- ناصر، م. (۱۳۹۷). قراردادهای هوشمند (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا). تهران: مجد.
- وحدتی، م. (۱۴۰۱). استنادپذیری مبادلات الکترونیک؛ در رویه قضایی ایران. مجد.
- یوسف زاده. (۱۴۰۳). ماهیت حقوقی توکن های غیرمثلی و انتقال آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۷)، ۱۶۵-۱۹۶.